

# کتاب دانیال - شماره صد و چهار

پرده برداری از قاعده نبوی: شناخت داورهای تحقیقی و اجرایی در روزهای آخر

Jeff Pippenger

2024-02-29

ما در حال برقرار کردن قاعده نبوی ای هستیم که توسط شیر قبیله یهودا در کار مهرگشایی شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال، در «زمان پایان»، در سال ۱۹۸۹، شناسایی شد؛ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی بر اثر ائتلافی پنهانی میان رونالد ریگان و پاپ روم فروپاشید. نشان داده ایم که تطبیق های سه گانه روم و سقوط بابل، زن و وحشی ای را که زن بر آن سوار است و بر آن سلطه دارد در مکاشفه باب هفدهم مشخص می سازند.

تصویر زن و وحش در فصل های هفدهم و هجدهم، داوری تدریجی ای را که خدا بر بابل معاصر می آورد مشخص می کند؛ داوری ای که با قانون یکشنبه که به زودی فرا می رسد آغاز می شود و تا زمانی که میکائیل قیام کند و مهلت بشر پایان یابد ادامه دارد. آن دوره زمانی بخش نخست داوری اجرایی خدا را نشان می دهد که با آمیزه ای از رحمت او انجام می گیرد. سپس، با هفت بلای آخر، هیچ رحمتی با داوری های او آمیخته نیست. این دو مرحله در داوری تحقیقی نیز استنباط شده اند؛ داوری ای که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد. داوری تحقیقی با بررسی و داوری مردگان آغاز شد و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، داوری تحقیقی زندگان آغاز گردید.

داوری زندگان نیز به دو دوره تقسیم می شود؛ نخستین آن از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز می شود، با بررسی و داوری کسانی که نامزد قرار گرفتن در میان صد و چهل و چهار هزارند، زیرا داوری از خانه خدا آغاز می شود. داوری تحقیقی مردگان فقط در مورد کسانی انجام شد که نامشان در مقطعی از زندگی شان در کتاب حیات ثبت شده بود. سپس نام های مردگانی که نوشته و ثبت شده بود با کتاب گناهان مقایسه شد. اگر گناهان اعتراف نشده ای داشتند، نامشان از کتاب حیات حذف می شد. داوری تحقیقی زندگان مقید است به اینکه از خانه خدا آغاز می شود، در حالی که در داوری تحقیقی مردگان نیازی به چنین قیدی نبود.

در داوری تفتیشی زندگان، کلام خدا با دقت مشخص کرده است که آن داوری در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر در اورشلیم، که کلیسای خداست، آغاز شد. کتاب مقدس گواه مستقیم دومی بر این حقیقت ارائه می دهد.

زیرا زمان فرا رسیده است که داوری باید از خانه خدا آغاز شود؛ و اگر نخست از ما آغاز شود، سرانجام کسانی که از انجیل خدا اطاعت نمی کنند چه خواهد شد؟ اول پطرس ۴:۱۷.

داوری زندگان از اورشلیم، خانه خدا، آغاز می شود و زمان معینی برای آغاز آن داوری وجود دارد. داوری زندگان در اورشلیم زمانی آغاز می شود که دوات کاتب از میان اورشلیم بگذرد و بر مردان و زنانی که برای رجاساتی که در کلیسا و نیز در سرزمین انجام می شود آه می کشند و می گریند، نشان بگذارد.

آن طبقه ای که از انجیل اطاعت نمی کند، در مکاشفه باب هفتم در تقابل با یکصد و چهل و چهار هزار مشخص شده است، جایی که یوحنا ایشان را «جمعیت کثیر» می نامد. این جمعیت کثیر نماینده گروهی از نفوس زنده است که در دوره داوری زندگان داوری می شوند؛ کسانی که به طور کامل از شریعت خدا اطاعت نکرده اند، زیرا در روز یکشنبه پاپی عبادت می کرده اند. با فرا رسیدن قانون

یکشنبه که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد، آنانی که به دست فرشته‌ای که در حزقیال باب نهم دوات نویسنده دارد مهر شده‌اند، که همان مهر شدن مکاشفه باب هفتم نیز هست، چون بیرقی برافراشته می‌شوند. آنگاه آنان که اکنون از انجیل اطاعت نمی‌کنند، نسبت به سبت روز هفتم پاسخگو شمرده خواهند شد.

اما مسیحیان نسل‌های گذشته یکشنبه را نگاه می‌داشتند، به این گمان که با این کار سبت کتاب مقدس را حفظ می‌کنند؛ و اکنون در هر کلیسای مسیحیان راستینی هستند، و اجتماع کاتولیک رومی نیز از این قاعده مستثنا نیست، که صادقانه باور دارند یکشنبه سبت تعیین شده از سوی خداست. خداوند صداقت نیت و درستی ایشان را در حضور خود می‌پذیرد. اما هنگامی که رعایت یکشنبه به موجب قانون اجباری شود و جهان نسبت به الزام سبت حقیقی آگاه گردد، آنگاه هر که فرمان خدا را زیر پا بگذارد تا از حکمی اطاعت کند که اقتداری فراتر از اقتدار رم ندارد، با این کار پاپیسم را بیش از خدا حرمت می‌نهد. او به رم و به قدرتی که آیین مقرر رم را به اجرا می‌گذارد ادای احترام می‌کند. او در حال پرستش وحش و صورت اوست. چون مردم آنگاه آیینی را که خدا آن را نشان اقتدار خود اعلام کرده است رد می‌کنند و به جای آن آنچه را رم به عنوان نشان تفوق خود برگزیده است گرامی می‌دارند، بدین وسیله نشان وفاداری به رم—«نشان وحش»—را می‌پذیرند. و تا وقتی که مسئله بدین‌سان آشکارا پیش روی مردم نهاده نشود و آنان به انتخاب میان احکام خدا و احکام انسان‌ها واداشته نشوند، کسانی که به تعدی ادامه می‌دهند «نشان وحش» را دریافت نخواهند کرد. نبرد عظیم، ۴۴۹.

نشانه کسانی که مهر شده‌اند آن کسی است که کسانی را که از انجیل اطاعت نمی‌کنند به اطاعت فرامی‌خواند.

و در آن روز، ریشه‌ای از یسعی خواهد بود که به منزله علم‌ی برای قوم‌ها برپا خواهد شد؛ امت‌ها در پی او خواهند بود و جایگاه آرامش او پرچمال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای بار دوم، دست خود را دراز کند تا بازمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند بازآورد؛ از آشور و از مصر و از پاتروس و از کوش و از علام و از شینعار و از حمات و از جزایر دریا. و او برای امت‌ها علم‌ی برافراشته خواهد کرد و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. اشعیا ۱۱:۱۰-۱۱.

کسانی که در حال حاضر از انجیل اطاعت نمی‌کنند، در حالی که زنده‌اند داوری می‌شوند، اما داوری آنان باید پس از داوری تحقیقی زنده‌ها، یعنی همان صد و چهل و چهار هزار نفر، انجام شود؛ زیرا آنان تنها در جریان بحران قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، با دیدن مردان و زنانی که مهر خدا را دارند، می‌توانند هشدار دریافت کنند.

کار روح‌القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داوری ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحت جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

داوری اجرایی، که در آن کار ایلای سوم به انجام می‌رسد، با قانون قریب‌الوقوع یکشنبه آغاز می‌شود. این داوری دو دوره زمانی دارد؛ در دوره نخست، برای کسانی که اکنون از انجیل اطاعت نمی‌کنند،

داوری‌های خدا با رحمت درآمیخته‌اند، و سپس به دنبال آن، هفت بلای آخر بدون رحمت ریخته می‌شوند.

«زمان مهلت دیگر چندان دوام نخواهد داشت. اکنون خدا دست بازدارنده خود را از زمین برمی‌گیرد. سالیان دراز به واسطه روح‌القدس خویش با مردان و زنان سخن گفته است؛ اما آنان به این دعوت گوش نسپرده‌اند. اکنون او از طریق داورهای خویش با قوم خود و با جهان سخن می‌گوید. زمان این داورها زمانی از رحمت است برای کسانی که هنوز فرصت نیافته‌اند که بیاموزند حقیقت چیست. خداوند با مهربانی به آنان نظر خواهد کرد. دل رحیم او برانگیخته شده است؛ دستش همچنان برای نجات دراز است. عده بسیاری که در این روزهای آخر برای نخستین بار حقیقت را خواهند شنید، به حظیره امن پذیرفته خواهند شد.» ریویو اند هرالد، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۶.

کسانی که از انجیل اطاعت نمی‌کنند، همان «گوسفندان دیگر»ی هستند که عیسی وعده داد که آنان را فرا بخواند، و هنگامی که او آنان را فرا بخواند، صدایش را خواهند شنید.

و گوسفندان دیگری دارم که از این گله نیستند؛ آنان را نیز باید بیاورم، و صدای مرا خواهند شنید؛ و آنگاه یک گله و یک شبان خواهد بود. یوحنا ۱۰:۱۶.

«صدایی» که آنان می‌شنوند، دومین «صدا» از باب هجدهم مکاشفه است که با نزدیک شدن قانون یکشنبه، زمانی که داور روسپی بزرگ دو برابر می‌شود، با صدای بلند فریاد می‌زند؛ زیرا او جام دوران مهلتش را از گناه پر کرده است.

پیامبر می‌گوید: «دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن شد. و با صدایی بلند و نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن شیاطین شده است» (مکاشفه ۱۸:۱، ۲). این همان پیامی است که فرشته دوم داد. بابل سقوط کرده است، «زیرا همه امت‌ها را از شراب خشم زناکاری اش نوشانید» (مکاشفه ۱۴:۸). آن شراب چیست؟ آموزه‌های باطل او. او به جهان سبت جعلی به جای سبت حکم چهارم داده است و همان دروغی را که شیطان نخست در عدن به حوا گفت، تکرار کرده است—جاودانگی طبیعی نفس. بسیاری خطاهای هم‌خانواده را در سراسر جهان پراکنده کرده است، «احکام انسان‌ها را به‌جای تعالیم تعلیم می‌دهند» (متی ۱۵:۹).

وقتی عیسی خدمت عمومی خود را آغاز کرد، هیکل را از بی‌حرمتی کفرآمیزش پاک ساخت. از جمله آخرین اعمال خدمت او، دومین پاکسازی هیکل بود. پس در آخرین کار برای هشدار به جهان، دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود. پیام فرشته دوم این است: «بابل سقوط کرد، سقوط کرد، آن شهر بزرگ، زیرا همه ملت‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید» (مکاشفه ۱۴:۸). و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، آوازی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلایایش نصیبی نبرید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده و خدا شرارت‌هایش را به یاد آورده است» (مکاشفه ۱۸:۴، ۵). پیام‌های برگزیده، جلد ۲، صفحه ۱۱۸.

با فرارسیدن قریب‌الوقوع قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا، داور اجرایی تدریجی بر بابل مدرن آغاز می‌شود و دوره پایانی داور زندگی‌ها، در حالی که آن دو داور با هم تداخل می‌یابند، شروع می‌گردد. پیام‌آور سوم که راه را برای کار پیام‌آور عهد آماده می‌کند، نمایانگر کاری است که در دوران داور زندگی‌ها انجام می‌شود؛ دورانی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و هنگامی پایان می‌یابد که آخرین کسانی که در حال حاضر از انجیل اطاعت نمی‌کنند، صدای دوم مکاشفه باب هجده را بشنوند و از بابل بیرون آیند. آن کار، تطهیر و پالایش هیکل یکصد و چهل و چهار هزار را در آغاز خدمت پیام‌آوری که راه را آماده می‌کند، مشخص می‌سازد و سپس پالایش و تطهیر هیکل جمهور عظیم را در پایان

خدمت پیام‌آوری که راه را برای پیام‌آور عهد آماده می‌کند.

هنگامی که قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع فرا برسد، تجلی قدرت خدا که در روز پنتیکاست رخ داد، تکرار خواهد شد.

هیچ‌یک از ما تا زمانی که در سیرت‌مان حتی یک لکه یا آلودگی باشد، هرگز مَهر خدا را دریافت نخواهد کرد. این بر عهده ماست که کاستی‌های سیرت‌مان را اصلاح کنیم و معبد جان را از هر ناپاکی پاک سازیم. آنگاه باران پسین بر ما خواهد بارید، همان‌گونه که باران پیشین در روز پنتیکاست بر شاگردان بارید...

"ای برادران، در کار بزرگ آماده‌سازی چه می‌کنید؟ آنان که با دنیا یکی می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می‌کنند. آنان که به خود اعتماد ندارند، در برابر خدا فروتن می‌شوند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند، اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. وقتی فرمان صادر شود و مهر زده گردد، منش آنان تا ابد پاک و بی‌لکه خواهد ماند." گواهی‌ها، جلد پنجم، صفحات ۲۱۴ و ۲۱۶.

در همین جاست که ممکن است به ناهماهنگی ظاهری در کلام نبوی برخورد شود، هرچند نیازی به چنین چیزی نیست. در پنتیکاست زمان شاگردان، پیامی که قوت یافته بود به غیریهودیان رسانده نشد، که همان کسانی‌اند که در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد از انجیل اطاعت نمی‌کنند. پیامی که در پنتیکاست قوت یافت به اسرائیل باستان رسانده شد، که برای سه سال و نیم دیگر هنوز در دوره نهایی امتحانی خود بودند.

هفتاد هفته بر قوم تو و بر شهر مقدس تو مقرر شده است تا به تعدی خاتمه دهد، و به گناهان پایان بخشد، و برای گناهکاری کفاره کند، و عدالت جاودان را برقرار سازد، و رویا و نبوت را مهر کند، و قدس‌الاقداس را مسح نماید. دانیال ۹:۲۴.

پیامی که در روز پنتیکاست قدرت یافت، تا سال ۳۴ که استیفان سنگسار شد، به کسانی که از انجیل اطاعت نمی‌کردند رسانده نشد. خواهر وایت اغلب به این حقیقت اشاره می‌کند.

سپس فرشته گفت: «او برای یک هفته [هفت سال] عهد را با بسیاری استوار خواهد کرد.» برای هفت سال پس از آنکه نجات‌دهنده خدمت خود را آغاز کرد، قرار بود انجیل به‌طور ویژه برای یهودیان موعظه شود؛ سه سال و نیم توسط خود مسیح؛ و پس از آن به‌وسیله رسولان. «در میانه هفته، او قربانی و هدیه را متوقف خواهد کرد.» دانیال ۹:۲۷. در بهار سال ۳۱ میلادی، مسیح، قربانی حقیقی، بر جلجتا تقدیم شد. آنگاه پرده هیکل از میان دو نیم شد و نشان داد که قداست و اهمیت آیین قربانی از میان رفته بود. زمان آن فرارسیده بود که قربانی و هدیه زمینی متوقف شود.

آن یک هفته—هفت سال—در سال ۳۴ میلادی پایان یافت. سپس با سنگسار استفانوس، یهودیان سرانجام رد خود نسبت به انجیل را قطعی ساختند؛ و شاگردانی که بر اثر جفا پراکنده شده بودند، «در هر جا که می‌رفتند، کلام را موعظه می‌کردند» (اعمال ۸:۴)؛ و اندکی بعد، شائول جفاگر ایمان آورد و پولس، رسول غیریهودیان، شد. آرزوی اعصار، ۲۳۳.

پیامی که در روز پنتیکاست، پنجاه روز پس از رستاخیز مسیح، قوت یافت، با قانون یکشنبه همسوست؛ جایی که انجیل گوسفندان دیگر مسیح را از بابل فرا می‌خواند. با این حال، سه سال و نیم پس از صلیب بود که یهودیان «موضع رد خود نسبت به انجیل را قطعی کردند»، و آنگاه پیام به سوی غیریهودیان رفت، یعنی کسانی که در آن هنگام از انجیل اطاعت نمی‌کردند. این تناقض ظاهری با تعیین سال ۳۴ میلادی به‌عنوان زمانی که یهودیان رد انجیل را قطعی کردند، برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا

خواهر وایت خلاف آن را می‌گوید.

چون سراسر نظام آیینی نماد مسیح بود، جدا از او ارزشی نداشت. وقتی یهودیان با سپردن او به مرگ، مهر رد بر مسیح زدند، هرآنچه را که به هیکل و خدمات آن معنا می‌بخشید، رد کردند. قداستش از آن رخت بر بسته بود. به نابودی محکوم شده بود. از آن روز قربانی‌ها و خدمت‌های مربوط به آن‌ها بی‌معنا شدند. همچون قربانی قابیل، بیانگر ایمان به نجات‌دهنده نبودند. یهودیان با به مرگ سپردن مسیح، عملاً هیکل خود را ویران کردند. هنگامی که مسیح مصلوب شد، پرده درونی هیکل از بالا تا پایین دو پاره شد، که نشان می‌داد قربانی عظیم نهایی تقدیم شده و نظام قربانی‌ها برای همیشه پایان یافته است. اشتیاق اعصار، ۱۶۵.

آیا یهودیان در سنگسار استفان یا بر صلیب مسیح، بر ردّ خود نسبت به انجیل مهر نهایی زدند؟ این تناقض ظاهری با تناقض ظاهری دیگری مرتبط است: یعنی یکی دانستن تجلی قدرت خدا در پنتیکاست با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع.

ما قصد داریم این تناقض ظاهری را در مقاله بعدی حل و فصل کنیم، اما می‌خواهم یادآوری کنم که هدف این بررسی خاص بر مبنای این واقعیت است که پیامبران نشان داده‌اند قوم لاودیکه‌ای خدا در روزهای آخر داوری را درک نمی‌کنند. ما وقت گذاشته‌ایم تا دوره‌ها و اهداف گوناگون داوری را مرور کنیم تا روشن شود که چگونه داوری تفتیشی و داوری اجرایی هر دو در قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه به هم می‌رسند. برای آن‌که مکاشفه‌ای که با تناقضات ظاهری تازه مطرح‌شده پیوند دارد دیده شود، لازم بود این موارد مرور شوند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

کاتولیک‌های رومی اذعان می‌کنند که تغییر در سبت به دست کلیسای آنان صورت گرفته است، و همین تغییر را به عنوان شاهی بر اقتدار عالی کلیسا ذکر می‌کنند. آنان اعلام می‌کنند که پروتستان‌ها با نگاه داشتن روز نخست هفته به عنوان سبت، قدرت او را برای قانون‌گذاری در امور الهی به رسمیت می‌شناسند. کلیسای کاتولیک رومی از ادعای خطاناپذیری خود دست برنداشته است؛ و وقتی جهان و کلیساهای پروتستان سبت جعلی ساخته او را می‌پذیرند، در حالی که سبت یهوه را رد می‌کنند، در عمل این ادعا را می‌پذیرند. ممکن است برای این تغییر به اقتداری استناد کنند، اما مغالطه استدلالشان به آسانی آشکار می‌شود. پاپیست آن قدر زیرک است که ببیند پروتستان‌ها خود را می‌فریبند و آگاهانه چشمانشان را بر حقایق این قضیه می‌بندند. هرچه نهاد یکشنبه مقبولیت بیشتری می‌یابد، او شادمان می‌شود، با اطمینان از اینکه سرانجام سراسر جهان پروتستان را زیر پرچم رم خواهد آورد.

تغییر سبت، نشانه یا علامت اقتدار کلیسای روم است. آنان که، با درک الزامات فرمان چهارم، برمی‌گزینند که به جای سبت حقیقی، سبت دروغین را رعایت کنند، بدین‌سان به آن قدرتی که تنها از سوی آن چنین امری فرمان داده شده است ادای احترام می‌کنند. نشان وحش، سبت پاپی است که جهان آن را به جای روز تعیین‌شده از سوی خدا پذیرفته است.

اما زمان دریافت نشانه وحش، چنان‌که در نبوت تعیین شده است، هنوز فرا نرسیده است. زمان آزمایش هنوز فرا نرسیده است. در هر کلیسایی مسیحیان راستین وجود دارند؛ کلیسای کاتولیک رومی نیز از این امر مستثنا نیست. هیچ‌کس محکوم نمی‌شود مگر آنکه نور را یافته و الزام فرمان چهارم را دریافته باشد. اما هنگامی که فرمانی صادر شود که رعایت سبت جعلی را الزامی کند، و وقتی فریاد بلند فرشته سوم مردم را از پرستش وحش و تمثال او برحذر دارد، مرز میان باطل و حق به روشنی ترسیم خواهد شد. آنگاه آنان که همچنان بر تعدی اصرار می‌ورزند، نشانه وحش را بر پیشانی‌های خود یا بر دستان خود دریافت خواهند کرد.

«با گام‌های تند به این دوره نزدیک می‌شویم. هنگامی که کلیساهای پروتستان با قدرت دنیوی متحد شوند تا از دینی باطل پشتیبانی کنند، دینی که نیاکان‌شان به سبب مخالفت با آن سخت‌ترین آزار و اذیت‌ها را تحمل کردند، آنگاه سبب پاپی به وسیله اقتدار مشترک کلیسا و دولت تحمیل خواهد شد. ارتدادی ملی رخ خواهد داد که تنها به ویرانی ملی پایان خواهد یافت.» مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۲ فوریه ۱۹۱۳.